

مدیری را به این راحتیها پیدا نکردم. بار اول که با او صحبت کردم، ضبط پلاک ۱۴ تمام شده بود، ولی مشغول ضبط یک نوار کاست بود. شاید برایتان جالب باشد که بدانید مدیری آواز می خواند، آن هم از نوع پاپ! خلاصه قرار شد بعد از سه هفته با هم صحبت کنیم. وقتی بعد از این مدت با مدیری تماس گرفتم، کلی حاشیه رفت و آخر سر گفت: از سازمان (یعنی همان صدا و سیما) گفته اند بهتر است با هیچ نشریه ای صحبت نکنی، هرچه پرسیدیم: برای چه؟ نگفت. آخرش گفتیم: آقا! شما بیا، هر وقت گفתי چاپ می کنیم و قبول کرد و قرار شد روز قبل از جلسه، برای یادآوری تماس بگیریم. ناگفته نماند کلی روی تعداد مهمانها و این که پشت دوربین چقدر جدی است توضیح داده بود. ولی آنچه ما روز جلسه پاتوق از وی دیدیم، دوست داشتنی تر از حرفهایش بود. روز جلسه تمام سالن پر بود. و او با مساعد هدایتی آمد. با مدیری از هر دری صحبت کردیم، از همه جا، از ساعت خوش تا پلاک ۱۴، از آواز و حتی موبایل فروشی!

- ایران جوان : برای شروع بحث یک تعریف کوتاه از طنز داشته باشید و آیا طنزی که در ایران کار می شود به معنای طنز است یا صرفاً یک کپی برداری است؟

مدیری: زمانی که طنز باب شد سال ۷۲ بود. اما شکل و فرم آن چنین نبود. بعد از آن جوانان شروع به کار کردند ولی ما در این کار چند مشکل داریم. یکی مسئله شناخت مخاطب است که در چه محلی کار می کنیم و فرهنگ طنز در ایران اصلاً چه نوع فرهنگی است و چه نوع برخوردی با آن می شود. چند مسئله هست که رعایت نشده یکی مسئله ریتم است که خیلی از بچه ها نمی شناسند، که بحث ظریفی است چه از لحاظ روانشناسی، اجتماعی و چه از حیث تعریف نمایشی

- دهقان: از کارهایی که انجام داده اید بیشتر کدام یک را می پسندید؟
مدیری: در کارهایی که از نوروز ۷۲ به بعد انجام شد، یک مسیر صعودی را طی کردیم نه به لحاظ کیفیت بلکه از لحاظ نوآوری و هر کدام تجربه یی شد برای کارهای بهتر ولی به نظر خودم جنگ ۷۷ کاملتر بود چون به یک شکل جدیدی در نمایش دست یافتیم که ادغام نمایش و پلاتوها بود و اصلاً نمایش موضوعی اولین بار با ۷۷ شروع شد. در سبک فاصله گذاری در نمایش سد میان دوربین و بیننده را شکستیم که نتیجه آن، برنامه ۷۷ با ۹۶ در صد بیننده ثابت به عنوان پربیننده ترین برنامه تلویزیون ایران در طول پخش شناخته شد. کار جدیدی هم در دست داریم که ۹۰ قسمت خواهد بود. باز هم کار خانوادگی است ولی فرم برنامه ترکیبی نیست. از یک ساعت برنامه، نیم ساعت آن ارتباط تلفنی به صورت برنامه زنده ی تلویزیونی با بینندگان است، نیم ساعت دیگر هم قصه یی است که همان شب شروع و خاتمه می یابد

- فائزه هرمزی : در کارهایتان قضاوت کارشناسان و همکارانتان مهمتر است یا عموم مردم؟

مدیری: برای همه کسانی که به نوعی کار هنری انجام می دهند، قضاوت همکارانشان بسیار مهم است ولی تلویزیون یک استثنا دارد. هنر نقاشی مخاطبین خودش دارد یا سینما، موسیقی و ... ولی کارهای تلویزیونی را اگر به عنوان کارهای نمایشی نام ببریم مردم نقش بسیار مهمی دارند. به هر حال عمومی ترین رسانه است، مانند مطبوعات. از دست دادن یا جلب مخاطب برای کسی که کار تلویزیون می کند خیلی مهم است. یک هفته یا دو هفته یک بار بولتنی به نام پیام آشنا برای ما ارسال می شود و نظرات مردم را در باره برنامه مان از این طریق یا از طریق

- خواجه حسینی: آیا ارزش های مثبتی که هنرمندان در قالب نقش های متفاوت آنها را ایفا می کنند، ممکن است در زندگی خصوصی شان هم تاثیر بگذارد؟

مدیری: من تصور می کنم شما از زندگی شخصی من چیزهایی شنیده اید؟ (خنده جمع). همواره زندگی خصوصی افراد را از زندگی هنری شان جدا میکنند. ما افرادی را داشته ایم که در زندگی شخصی شان آدم های منحرفی بوده اند در موسیقی اشتوک هاوزن و چایکوفسکی، در ادبیات بالزاک و در نقاشی سالوادوردالی. به خاطر اینکه تفاوت هنرمندان با آدمهای زیاد نیست، به همین دلیل مقوله کار و زندگی شخصی آنها از هم جدا بود و در زمان خودشان هم خیلی وارد مباحث شخصیتی شان نشدند. خودشان معتقد بودند اثری که بجای می گذازند مهمتر است. انسان دچار احساسات یا اندیشه هایی است که شاید نتواند به آنها عمل کند. ولی به راحتی می تواند آنها را منتقل کند. نقش های من در زندگی من تاثیر نگذاشته. من خودم هر آنچه هستم، هستم. بعضی از مسائلی که در پلاتوها مطرح می کنم، خودم دوست ندارم ولی به لحاظ مسائل اجتماعی درست است. مثلاً بحث از دواج. من ممکن است با دونکته از ده نکته مطرح شده موافق نباشم

- فائزه هرمزی: خیلی از برنامه هایی که می بینیم به سمت پوچ گرایی می روند. به اعتقاد بسیاری، این برنامه ها نه طنز است و نه هجو، بلکه یک برنامه بی هویت است ولی برنامه باید صاحب هویت مناسب باشد به عنوان مثال زمان پخش برنامه ساعت خوش من با وجود مخالفت پدرم حتی از ساعتهای مطالعه خودم کم می کردم و دقایقی از این برنامه را می دیدم و معتقد بودم که باید دقایقی استراحت فکری داشته باشم. ولی در برنامه های اخیر شاهد بودم که تنها چند آیتم خوب وجود دارد و بقیه آیتم ها...! نه سرگرمی دارند، نه پیامی و نه ... شما در این مورد چه نظری دارید؟

مدیری: حرف شما کاملاً صحیح است. این مسئله دو علت دارد. یکی تولید انبوه در کار نمایشی که منجر به چنین مسئله یی می شود. رساندن هر شب برنامه به آنتن، کار دشواری است. گاهی منابع ما برای موضوع تمام می شود و فقط چیزهایی می سازیم که به آنتن برسد. یک علت دیگر که اثری روانی بر مخاطبان دارد، این است که دوران آیتم به پایان رسیده، از سال ۷۲ باب این قضیه باز شد و به عنوان نمونه در برنامه ساعت خوش، که همه اش آیتم کوتاه بود، به اوج خود رسید و در سال ۷۷ کار خانوادگی مطرح شد. چیزی نیست که ساخته نشده زمانی بچه ها متن هایی می دادند که می گفتم: این را خودمان ساختیم و حتی خودت آن را بازی کرده یی! اگر برنامه شما هفتگی و فرصت انتخاب بازیگر، متن و غیره را داشته باشید، آخر هفته یک برنامه ۲ ساعته خوب خواهید داشت. ولی رساندن هر شب برنامه آن هم با تمام مصیبت هایی که ما در ساخت برنامه داریم اعم از کمبود امکانات، مشکلات مالی، نظارتی (نوار برنامه بارها برگشت می خورد). با تمام اینها ساخت برنامه ۵۰ دقیقه یی که تمام آن خوب باشد تقریباً غیر ممکن

- مریم معرفت: شما به بازی حسی معتقد هستید یا تکنینی؟

مدیری: در کار شبانه تلویزیونی که ارتباط نزدیکی با مردم دارد بحث بازیگری حسی و تکنینی خیلی مصداق ندارد. بازیگران طنز یا غریزی اند یا اکتسابی. شاید آشنایی من با بازیگرانی که شما می بینید بسیار اتفاقی بوده باشد. به عنوان مثال من جهت انجام کاری به اداره یی رفته بودم آقای عابدی را دیدم و به ایشان گفتم: شما بازیگر هستید، فردا بیایید باران فیلم! او گفت: من نمی فهمم شما چه می گوید. اما من می فهمیدم و او بازیگر بود. اتفاقاً فردای آن روز آمد و خوب هم بازی کرد. عابدی جزئی بازیگران غریزی است و نیازی نیست شما با او سروکله بزنید. همچنین محمدرضا هدایتی. آقای نیکخواه از بازیگران اکتسابی بود. باید می گفتی: از اینجا می روی آنجا، این را می گویی، بعد می نینشینی، بعد بر می گردی و می روی بیرون. در کار سینمایی عابدی شاید نیاز به تکنیک داشته باشد ولی در کار ما به این مسئله نیازی نیست او کار خودش را بلد است. اصلاً کاری نمی کند خودش است. بیرون هم همین است. پرانرژی، پرهیجان و کمی رند، هیچ انرژی صرف بازیگری نمی کند

- شروین فضلعلی زاده: مسئله یی که ما در چند سال اخیر دیده ایم، بخصوص بعد از ساعت خوش شخصیت پذیری جامعه بودتکه کلام هایی که خودتان در جنگ ۷۷ یا آقای غفوریان در مجموعه این چند نفر داشتند، خیلی سریع بین مردم رایج شدند. علت این تاثیر پذیری چیست؟

مدیری: این موضوع مختص ایران نیست. یک دفعه مدل فلان خواننده مد می شود. ایران هم مثل کشورهای دیگر، مدیرانی که گاه سر ضبط می آمدند می گفتند: اگر تکه کلامی بین مردم جا می افتد اشکالی ندارد، فقط خوب باشد. ولی این مسئله از جانب ما آگاهانه نبود. من خودم دوست نداشتم این حرفها جا بیفتد. اگر قطع می کردم، طبیعی نبود چون مثلاً بعد از ۶ ماه که پخش شد شما از فردا این شخص را جور دیگر می دیدید. این مسئله غیر ممکن بود و من مجبور شدم ادامه بدهم. حتی در روزنامه خودتان نوشته شده بود در مجلس نمایندگان از این تکه کلام ها استفاده می کردند. چون برنامه پر بیننده است این مسئله بوجود می آید. کسی که هر شب تصویرش پخش می شود و محبوب است همه چیزش الگو می شود

- آذر فراهانی: چرا از افرادی که در آغاز از آنها استفاده کردید، استفاده نکردید و با آنها ادامه ندادید؟

مدیری: ساعت خوش دستخوش مسائلی شد که بحث آن مفصل است. بخشی از جانب تلویزیون و بخشی از جانب خود گروه. بچه ها بعد از مدتی سر مسائل جزئی با هم اختلاف پیدا کردند برای همین آن گروه از هم پاشید. بعد هم که همه از کار منع شدند و وقتی این ممنوعیت بر طرف شد، هر کدام گوشه یی بودند با حالات روحی مختلف. به هر حال لطمه خورده بودند. یکی از دواج کرده بود و درگیر بود. یک سری هم سر کار رفته بودند. دیگر نمی شد آن گروه را جمع کرد. خودم هم خیلی مایل به این کار نبودم. در تصویر دیده می شود که این گروه خیلی هماهنگ است ولی در پشت صحنه اینطور نبود. در ۷۷ گروه ۵۰، ۴۰ نفری واقعا مثل یک خانواده شده بود. غلو نمی کنم اگر کاظم شهبابی به عنوان تصویر بردار روزی سردرد داشت، هیچ کاری به خوبی پیش نمی رفت. یک نگرانی در گروه بود که همه

- علی حسینی: شما تا به حال با منتقدی که بگوید برنامه تان اصلا جالب نیست برخورد کرده اید؟

مدیری: من فقط یک متن خواندم در یک مجله که اسمش رانمی گویم و یک آقای که اسم نمی برم. البته من اسم آن شخص را تا کنون به عنوان منتقد نشنیده بودم. ایشان در مطلبش نوشته بود که اصلا من را باید کشت!! اینقدر با تنفر از این برنامه یاد کرده بود که مثلا می گفت

اخبار از برنامه شما بهتر است! بجز این نقد که من هنوز مانده ام که دشمنی دیرینه این آقا با من از کجاست؟ متنی نخواندم که به این شکل کار را منکر شود، هم تعریف بوده، هم انتقاد بوده، هم به تکراری بودن برنامه ها اعتراض شده. در مورد تاثیر آن نقد من احساس کردم این نقد یک نقد سالم نیست نه به این دلیل که طرف از برنامه های ما متنفر بوده بلکه به این دلیل که نوع نوشتن و مثالهایی که زده شده بود، اساسا غلط بود و فکر کردم که شخصا غرضی دارد. آخر نمی شود یک چیز تماما بد باشد. هیتر هم جنبه هایی مثبتی داشته. ولی در آن نقد آمده بود: حیف از آن هوایی که اینها تنفس می کنند. ما بد هستیم، ولی نه در حدی که شما می گوئید. به همین دلیل اصلا اهمیتی ندادم

- شیوا شکاری: شما چرا کار طنز را انتخاب کردید؟

مدیری: اتفاقی بود. بیشتر کارهای تئاتری که انجام داده ام کارهای جدی و کلاسیک بوده. تا سال ۷۱ که یک کار تلویزیونی در شبکه دو انجام می دادیم که یک کار مذهبی بود از طرف آقایان کاردان و علی عمرانی پیشنهاد ساخت یک برنامه نوروزی به من داده شد. من تا آن زمان کار طنز انجام نداده بودم و هیچ نمی دانستم. طرح نوروزی توسط جمعی شکل گرفت که بغیر از ما آقای مهرداد خسروی که مدیر گروه تاریخ در رادیو بودند نیز حضور داشتند و چهار نفری نشستیم و طرح ساده یی ریختم که خیلی جدی شد. تا آن زمان من تنها یک کار تئاتر طنز داشتیم به اسم پانسیون که نوشته یک نویسنده آمریکایی بود و در سنگلج (سال ۶۶) اجرا شد. اگر من آن شب سر صحنه نمی رفتم و یا کاردان و علی عمرانی را نمی دیدم، یا آنها به فکرشان نمی رسید که به من بگویند، شاید هیچ وقت به سوی طنز کشیده نمی شدم. البته کمبود نیرو داشتند که به من گفتند

- ایران جوان: فیلم دیدار بعثت حضور شما و توقیف ۵ ساله با اقبال نسبی مواجه شد ولی از لحاظ فنی، خیلی قوی نبود. چرا بازی در این فیلم را قبول کردید؟

مدیری: بعد از نوروز ۷۲ بود که آقای هنرمند من را برای بازی در این فیلم دعوت کرد. فیلمنامه یی که خواندم خوب بود و احتمال داده می شد کار خوش ساختی بشود. ولی فیلم دستخوش مسائلی شد که آقای هنرمند اذیت شد و یک چیزهایی را رها کرد. بعد هم که ۵ سال توقیف شد. ولی به نظرم فیلم خوش ساختی بود. حال اگر بخوایم نقد کنیم خیلی اشکالات دارد. اما بدلیل کار من و خود هنرمند فیلم پر مشغله و پراسترسی بود. وجود یک سری مشکلات در روند ساخت فیلم ایجاد خلل کرد. در مورد خودم نیز چون همزمان با تمرین و ساخت پرواز ۵۷ بود، من اصلا نمی خوابیدم. شاید روزی یکی دو ساعت، سر فیلم هم خواب بودم. فقط دیالوگها را می گفتم. اصلا بازی خودم را در این

محمدرضا رشید قلم: در چند سال اخیر که طنز کارکرد خود را نشان داده، شاهد هستم که صدا و سیما ارزش زیادی برای برنامه های طنز قائل است. با این حال چرا برخی با وجود بذل توجه، به برنامه هایشان آب می بندند؟ مدیری: این که چرا صدا و سیما این کار را می کند نمی دانم، ولی فکر می کنم خیلی ساده انگارانه به این قضیه نگاه می شود. یعنی عده یی دور هم جمع می شوند و متنهایی می نویسند که خودشان نمی دانند چیست!! بعد هم اجرا می کنند. بعد گروهی دیگر باید جایی جلو این قضیه گرفته شود. حتی خود ما! وقتی من برنامه تکراری می سازم، عین شبهای قبل حرف می زنم، بازی می کنم و... کسی باید برنامه من را نگه دارد و بگوید: تو حواست نیست که چکار می کنی؟ مردم نیاز به احترام دارند. باید بگوید: نوع برنامه را عوض کن. جنس بازی یا دکور را عوض کن و... کسی نیست که به من بگوید. باید گروهی باشد که متخصص طنز باشد و مراقب باشند که من هر کاری می خواهم نکنم. اما این مسئله وجود ندارد. سراغ دارم که بچه های یک محل در خانه یکی شان جمع شده اند، دوربین فیلم برداری آورده اند با یک سه پایه و بوم و الان هم برنامه یی که ضبط کرده اند پخش می شود. تا این حد قضیه ساده شده! زمانی صدا و سیما خیلی دست نیافتنی بود. وقتی آن سربالایی جام جم را می دیدید می گفتید: چطور می شود از اینجا رفت تو؟ ولی امروز خیلی سهل الوصول شده، امروز بازیگر تست می دهد، فردا جلوی دوربین است و از پس فردا ۶۰ میلیون نفر او را می بینند. بعد هم امضاء و مصاحبه و چیزهای دیگر. بعد دیگر نمی توان او را جمع کرد و دیگر هیچکس را نمی شناسد

www.ModiriFans.com
The Source Of Mehran Modiri

- زین العابدین زاده: چرا کارهایی که انجام می دهید در یک محیط بسته است؟ مدیری: به این خاطر که این کار به لحاظ تولید راحت تر است. ما چون باید برنامه را هر شب به روی آنتن ببریم. روزانه ۱۴ تا ۱۶ ساعت فیلمبرداری داریم و فضای داخلی سرعت ما را بالا می برد. به خاطر اینکه مشکل نور و صدا نداریم و دستیابی به گروه راحت است. وقتی یک پلان خارجی می گیریم با مشکلاتی از قبیل: ازدحام مردم، صدای ماشینها و نور روبرو هستیم و اتفاقاتی که می افتد باعث می شود ضبط یک پلان یک دقیقه یی که قرار است در مدت نیم ساعت فیلمبرداری شود، بین دو تا سه ساعت طول بکشد. به خاطر سرعت کار مجبور به این کار شده ایم و این خوب نیست چون تنوع فضا و تنوع بصری را برای بیننده کم می کند. ولی در کار جدیدمان تمهیداتی به کار گرفته ایم که این یکنواختی بوجود نیاید

- پوریا خانی: شما فرزند هم سن ما دارید؟

مدیری: دست شما درد نکند! خیر، من یک پسر یازده ساله و یک دختر چهار ساله دارم

- محمد چراغی: عملکرد صدا و سیما را چگونه ارزیابی می کنید؟

مدیری: صحبت راجع به عملکرد صدا و سیما خیلی مفصل است و من هم نباید وارد جزئیات شوم. اما در کارهایی که خودمان انجام داده ایم خیلی به مشکل برنخورده ایم. چون من و گروه صدا و سیما و آن شبکه همدیگر شناخته ایم. ما ضوابط پخش را بعد از این همه مدت فهمیده ایم که چه چیزهایی باید گفته شود و یا چه قصه هایی قابل

- دهقان: از چاپ مطلب می ترسید؟

مدیری: ترس نیست، محافظه کاری هم نیست، اما ...!!

- شاه وردی: دیدگاه شما برای موفقیت یک برنامه چیست؟

مدیری: برنامه طنز چند کد دارد که مهمترین بخش آن ارتباط صمیمانه با مخاطب است. بیننده بسیار با هوش است. هر چه به طبیعت نزدیکتر شویم، به بیننده نزدیکتر شده ایم. در طبیعت، اشتباه، خلاقیت، ندانم کاری، آگاهی و نا آگاهی وجود دارد. بیننده باید همه آنها را ببیند. در پلاتوها گاهی من یادم می رفت که متن چه بود. وبعد دیدم که این قضیه چقدر خوب است و بیننده ارتباط خوبی برقرار می کند و متوجه می شود، ما آمده ایم که چیزی بگوییم و برویم با تمام ضعفها و قوتهايمان، مسئله دیگر ریتم است. سریالها، تله تئاترها و طنزهای ما مشکل ریتم دارند. عصر امروز دوران ریتم تند است. بشر امروز، آدم سرعت است. جاهایی شما با ریتم کند جلوی این حرکت را می گیرید و این با بیننده تطبیق ندارد. باید مطابق ریتم امروز جلو رفت. چرا یک سریال به شما نمی چسبد؟ به خاطر اینکه مثلا برای طی مسیری که یک نفر می رود ۶ دقیقه وقت تلف می شود. اینها گاه به خاطر مسائل مالی و به خاطر این است که دقیقه یی پول می گیرند و غیره. شناخت ریتم در کار طنز خیلی مطرح است. مسئله دیگر انتخاب موضوع است. انتخاب موضوع باید با آگاهی باشد. مثلا رشوه مسئله یی است که کسی به شان نپرداخته بود. ولی ما کار کردید و جواب داد، یا نزول خواری، اینها خیلی ریز هستند

- علی حسینی: اگر انتخاب دست شما بود ترجیح می دادید با کدام کارگردان کار کنید و در زمینه موسیقی، کار کدام

موسیقیدان، سبک و گروه را می پسندید؟

مدیری: من موسیقی کلاسیک را دوست دارم و به نظرم بهترین باخ است. یعنی موسیقی باروک که بسیار آرامش بخش و با شکوه است و در سینما هم از میان کارگردان های خودمان بیضایی، مهرجویی و کیارستمی را دوست دارم. برای ضیافت آقای کیمیایی من تست گریم و لباس دادم ولی ممنوع کار بودم. حتی یکی دو پلان هم ضبط کردیم، ولی نگذاشتند که فریبرز عرب نیا بازی کرد. در فیلم سلطان همین اتفاق افتاد که باز فریبرز عرب نیا بازی کرد. کارهای آقای پوراحمد را هم دوست دارم. هر کارگردانی فیلمهایی دارد که خوب است و دلم می خواهد کار با آنها را تجربه کنم

- ایران جوان: هیچکدام از کارهای شما تیتراژ نداشته اند. چرا؟

مدیری: کارهای روتین که هر شب پخش می شوند تیتراژ ندارند. معمولا در تلویزیون این قانون است که کارهای هفتگی که یک هفته پخش مجدد آن طول می کشد، تیتراژ دارند. ولی کارهایی که هر شب پخش می شوند تنها ۵ تا ۱۰ شب جذاب است و پس از آن یک زمان اضافی خسته کننده است که هر شب ۵۰ اسم را ببینند. در این کارها تیتراژ در قسمت آخر پخش می شود

- دهقان: یکی از بازیگران موفق جنگ ۷۷ خانم لاله صبوری بودند. علت حذف ایشان از برنامه های بعدی چه بود؟
مدیری: بعد از ۷۷، ایشان به عنوان بازیگر ثابت کاری نداشتند. خانم صبوری در زمان ۷۷ هم آیتم بازی نمی کرد و فقط در کارهای خانوادگی حضور داشت و در ببخشید شما جایی نداشتند. چون فقط آیتم کوتاه بود و گفت و گوی من با مهمان برنامه و نقش ثابت زن وجود نداشت. در همان زمان هم ایشان رفتند سر کار دیگری و قرارداد بستند و نتوانستیم با هم کار کنیم

- ایران جوان: خانم صبوری در همان زمان پخش جنگ ۷۷ برای مدتی جدا شدند. علت آن چه بود؟
مدیری: یک سری توقعات دو طرفه بوجود آمد. هم از طرف ایشان و هم از طرف ما، که با هم منطبق نشد و ترجیح دادند که نباشند و ما هم ترجیح دادیم که نباشند. به لحاظ مالی، بازی، زمان، رفت و آمد، شکل ضبط و خیلی چیزها و بعد از یک مدت برگشتند. باز هم دو طرفه بود. هم خودشان خواستند که برگردند و هم ما خواستیم

- پوریا خانی: تا به حال شده شما از مشهور شدنشان استفاده کنید؟ راستش من چیز جالبی دیده ام که ...
مدیری نمی گذارد سوال تمام شود. موبایل هیلتون دیده اید؟ آن کار من نیست و یک نوع کلاهبرداری است. من چند روز است که درگیر این کار هستم. به چند نفر گفته ام که بروند پلاکاردهایشان بکنند، تنها کاری که می توانستم انجام بدهم این بود، من را چه به خرید و فروش موبایل؟! من سعی کرده ام هیچ وقت این کار را نکنم. چون مردم آنقدر محبت دارند که خودشان هر کاری بتوانند انجام می دهند، نیازی نیست این کار را بکنید ۶ ماه بعد یا یک سال بعد این وجهه را ندارید که این کارها را انجام دهید

- زین العابدین زاده: اگر به شما بگویند که دیگر نباید کار کنید چه می کنید؟
مدیری: سال ۷۳ به من گفتند که شما تا سه سال و نیم حق انجام هیچ کاری را ندارید. علت آن هم ساعت خوش بود

- شروین فضل علیزاده: نظرتان راجع به کار روان اتکینسون (مستربین) چیست؟
مدیری: شروع کار اتکینسون به عنوان مستربین واقعا درخشان بود. به لحاظ سناریو و سادگی فضاها، ولی کم کم دچار خطر می شد که همیشه در کمین کمترین ها است. تمایل باریگر کمدی در هر حال بیشتر خندانند است، ولو به قیمت هر کاری، بازیگری در این مرز حرکت می کند، معمولا می افتد. یعنی وسوسه خندانند بیشتر بیننده خصوصا در تئاتر بسیار وسوسه برانگیز است و خطرناک. مستربین هم با بازی در فیلم، در این دام افتاد و آیتمهایش هم دیگر سادگی قبلی را ندارند

- شروین فضلعلیزاده: چرا شما در نقشهایتان همیشه در برابر خانم ها ضعف دارید؟
مدیری: در طبیعت هم همینطور است. شما مکالمات تلفنی آقایان با خانم ها را بشنوید. ما همه چیز را جور دیگر می بینیم. شما اگر فقط این طرف گوشی را که آقا حرف می زند بشنوید فقط می گوید چشم. از آن طرف ممکن است چیز زوری گفته نشود. در کار طنز هم ایجاد تضاد است که باعث موفقیت می شود

- شبنم رضوانی: کار کردن با خانمها راحت تر است یا آقایان؟

مدیری: خانمها در کار صبورترند و راحت تر خودشان را با مشکلات کار هماهنگ می کنند. درگروه اگر کسی (منظور مرد) دوست نداشته باشد نقشی را بازی کند، ناراحتی اش را نشان می دهد یا به دستیار می گوید یا ناگهان سرش درد می گیرد و بالاخره به هر بهانه یی آن صحنه را بازی نمی کند، ولی خانمها اینطور نیستند. اگر قرار شد بازی کنند می پذیرند ولی آقایان کلک می زنند. شما فکر کنید یک دفعه ۲۵ آقا شروع می کنند به توطئه

- دهقان: نظرتان درباره کسانی که به خاطر چهره زیبا وارد این کاری می شوند چیست؟
مدیری: این افراد بعد از مدتی به مشکل بر می خورند. گروهی ترک می کنند و می روند و گروهی با وجود تمام این رنجها باقی می مانند. تنها چیزی که زیبایی را ماندگار می کند استعداد است که در این حالت کار ادامه پیدا می کند

- ایران جوان: آخرین سوال را خودتان از خودتان بپرسید؟
مدیری: من الان می توانم از خودم بپرسم: چه کارهایی می خواستم انجام بدهم و نداده ام؟ شاید این سوالی باشد که آدمها اگر بدانند یک ماه دیگر می میرند از خود بپرسند. ولی سوال بسیار اساسی و جدی و تلخی است که من همیشه از خودم می پرسم: چقدر کار نکرده دارم؟ اگر همه کسانی که هر کاری می کنند، این سوال را از خودشان بپرسند در همه چیز یک پرش اتفاق می افتاد.

:: هفته نامه ایران جوان شهریور ۷۹ شماره ۱۵۹

www.ModiriFans.com
www.ModiriFans.comTM
The Source Of Mehran Modiri